



نگاهی به مقطع اول زندگی امام زمان(عج)/ ولادت ولی عصر از منظر عامه

عالمان اهل سنت نسبت به موعود آخرالزمان و اینکه این موعود از تبار پیامبر(ص) است تاکید دارند ولی اینکه آیا این موعود به دنیا آمده است یا نه، اختلاف دارند.

عالمان اهل سنت نسبت به موعود آخرالزمان و اینکه این موعود از تبار پیامبر(ص) است تاکید دارند ولی اینکه آیا این موعود به دنیا آمده است یا نه، اختلاف دارند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهاردهم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

مقطع اول زندگی امام زمان مقطع اختفا است که به پنج سال اول مربوط می شود. یکی از مباحثی که مربوط به این مقطع می شود موضوع ولادت آن حضرت و تفکری که در مورد آن وجود دارد است. چرا ما باید این اهتمام را در جشن نیمه شعبان داشته باشیم؟

به واسطه اسنادی که در مورد ولادت حضرت امام زمان وجود دارد، تحقق این ولادت را از مسلمات تاریخ می شمارد. نه تنها شیعیان بلکه برخی از عالمان عامه هم به این مسئله اعتقاد دارند.

یکی از مسائلی که پیرامون امام زمان به عنوان موعود امم مطرح می شود این است که این بحث بین تمام ادیان و امم مطرح است و آنها هم منتظرند.

با همه این توصیفات، عالمان اهل سنت نسبت به موعود آخر الزمان تاکید دارند و بر اینکه این موعود از تبار پیامبر است تاکید دارند ولی اینکه آیا این موعود به دنیا آمده است یا نه، اختلاف دارند.

در منابع عامه در مورد ولادت امام زمان سه تیپ روایت وجود دارد. اولاً همه عامه اعتقاد ندارند که ایشان به دنیا آمده است اگرچه اکثریت آنها اعتقاد به منجی آخرالزمان دارند.

عده ای از دانشمندان اهل سنت نسبت به ولادت امام زمان اعتقاد و اعتراف دارند. یک عده کسانی هستند که ولادت حضرت مهدی(عج) را گزارش کرده اند ولی نسبت موعود بودن را به او نداده اند.

ابن اثیر در کتاب الکامل، ابن خلکان در کتاب وفیات الاعیان و زهبی در کتاب العبر به موضوع ولادت امام زمان اشاره کرده اند ولی مسئله موعود بودن را رد نکرده اند و نسبت به آن سکوت کرده اند.

عده دیگری هستند که علاوه بر ولادت بر موضوع موعود بودن هم تصریح کرده اند. از جمله کمال الدین محمد طلحه شافعی صاحب کتاب مطالب است. نورالدین علی ابن محمد صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمه هم بر همین معنا اشاره کرده است. گنجی نیز در کتاب مطالب بر همین موضوع اشاره می کند و بر موضوع ممکن بودن طول عمر امام زمان و مبنای قرآنی آن اشاره دارد.

یک تیپ روایات هم این است که عالمان اهل سنت، نظر عالمان شیعه را در ولادت امام عصر بیان کرده اند و خودشان نه رد کرده اند و نه قبول کرده اند. به هر صورت اگر آن را قبول نکرده اند، انکار هم نکرده اند.

از نظر شیعیان دو تیپ روایت در منابع وجود دارد که حکایت از این دارد که امام زمان به دنیا آمده است. یک تیپ احادیثی هستند که می گویند نام پدر امام زمان، حسن می باشد که ۱۴۷ روایت است. تیپ دوم روایات احادیثی هستند که می گویند مهدی فرزند امام حسن عسکری است که ۱۴۶ روایت است.

تفکر انکاری نسبت به ولادت امام زمان از طرف مخالفین به دو چیز تمسک کرده اند. یکی مخفی بودن ولادت و دوم اینکه می گویند اگر در سال ۲۵۵ به دنیا آمده باشند تاکنون طول عمر داشته اند که غیرعادی است.

دلیل اصلی آن چیست و با این انکار چه چیزی را زیر سوال می برند و قصد اصلی چیست؟ این را در جلسه آینده بحث خواهیم کرد.

مخفی بودن ولادت موجب این نمی شود که ولادت اتفاق نیفتاده باشد.

از منابع شیعی من به چند مورد اشاره می کنم. امام عسکری به یاران خود در روایتی نوید ولادت امام زمان را داده اند. غیر از وجود نازنین امام زمان فرزند دیگری برای امام حسن عسکری ذکر نشده است.

امام عسکری به همسر خود حضرت نرجس خاتون فرمودند: «استحملین ولدا و اسمہ محمد و هو القائم من بعدی»؛ یعنی

در یک تصریحی امام عسکری به احمد ابن اسحاق اشعری که از خواص شیعیان است می فرماید: «الحمد لله الذی لم یخرجنی من الدنیا، حتی ارانی الخلف من بعدی اشبه الناس برسول الله خلقا و خلقا بحفظه الله تبارک تعالی فی غیبه ثم یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت جورا و ظلما»؛ یعنی ستایش خدای را که مرا از دنیا نبرد تا جانشین پس از مرا که در آفرینش و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول خدا است، به من نمایاند. خدای تبارک و تعالی او را در غیبتش حفظ می کند و سپس او را آشکار می نماید؛ پس زمین را از عدل و داد پُر می کند، همان طور که از ستم لبریز شده باشد.

ابراهیم ابن ادریس می گوید امام عسکری گوسفندی را به من دادند و فرمودند این گوسفند را برای فرزندم عقیقه کن و خودت از آن بخور و آن را به اهلت هم اطعام کن.

عمه امام عسکری، حکیمه هم گزارش می کند که وی تنها کسی است که تا آخرین لحظات ولادت بالای سر نرجس خاتون بوده است.

خبر اصحاب خاص مانند ابوالادیان هم هست که وی نامه رسان امام عسکری است. او آنقدر مورد وثوق است که نامه هایی که امام نمی خواهد کسی از آن با خبر شود به دست وی می دهد.

حضرت به ابوالادیان نامه هایی را می دهد که به جاهای مختلف برساند و به او می فرماید وقتی باز می گردی دیگر من در قید حسات نیستم. او سوال می کند پس جانشین بعد از شما کیست و ما به چه کسی رجوع کنیم؟ حضرت فرمود کسی که بر من نماز می خواند. کسی که از نامه ها پیگیری می کند و کسی که از حمیان سوال می کند.

می گوید من رفتم امر امام را انجام دادم و وقتی بازگشتم دیدم شهر سامرا سیاه پوش است. می گوید دیدم دم در جعفر برادر امام نشسته است. جعفر اهل شراب و قمار و عیاشی بوده و با دربار هم به عنوان جاسوسی ارتباط داشته است.

ابوالادیان می گوید وقتی موقع نماز شد جعفر جلو رفت ولی دیدم که آوازاده ای جلو آمدند و با یک هیبتی عمومی خود را کنار زدند و فرمودند من به این کار از همه اولی هستم.

نماز که تمام شد خادم امام جلو آمد و گفت آقا نامه ها را پیگیری کرده اند و می گوید وقتی خدمت حضرت رسیدم از حمیان که از خمس برخی افراد بود به من اطلاع دادند. لذا سه نشانه ای که امام عسکری فرموده بودند محقق شد.

اخباری نظیر اخبار ابوالادیان، حکیمه خاتون و آنچه که ابراهیم ابن ادریس و پیام و دعای امام عسکری و... ذکر شده نشان می دهد که اگرچه ولادت امام زمان مخفیانه بوده است اما این امر محقق شده است.

مخفیانه بودن ولادت مانعی از ولادت نیست. ما در جلسه بعد نظیر این مطلب را در امم گذشته بررسی خواهیم کرد.

نظر علمای شیعه به طور مشهور این است که ولادت امام عصر در سپیده دم جمعه روز نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری اتفاق افتاده است.

یک نفر (شیخ طوسی) در میان علما در مورد سال ولادت آن حضرت نظر دیگری دارد ولی هر چیزی که در کتب تاریخی

آمده است اعتقاد ما نیست و برای اینکه ما آن را به عنوان اعتقاد قبول کنیم سند و معارض و... آن را ببینیم.

اینکه یک روایت در یک کتاب باشد به صرف وجود دلالت بر اینکه اعتقاد ما باشد ندارد بلکه باید سند، دلالت، جهت صدور و معارض آن بررسی شود. بعد از این ۴ اصلی که در روایت اعمال شد می توان در مورد آن صحبت کرد که جز اعتقادات ما هست.